



خواجه نصیرالدین طوسی، از فیلسوفان مؤثر در فلسفه اسلامی است. حضور گسترده و جدی او را می‌توان در فیلسوفان بزرگی چون میرداماد و ملاصدرا مشاهده کرد؛ در این جستار ضمن معرفی اجمالی رساله آغاز و انجام، از حضور رساله یاد شده در اسرار الآیات و تغییراتی که بر اساس نگرش وجودی در آن پدید آمده سخن گفته می‌شود. این نوشتار با تأکید بر تغییرات بنیادین یاد شده درصدد تبیین امکان سازگاری حضور گسترده اقوال دیگران در یک اثر فلسفی و التقاطی نبودن آن است. به دیگر سخن: التقاطی خواندن فلسفه ملاصدرا به دلیل حضور مستقیم و گسترده اقوال پیشینیان، نتیجه ساده انگاری و غفلت از نگرش وجودی و لوازم برآمده از آن در شبکه معرفتی ملاصدراست.

#### ۱. معرفی اجمالی رساله آغاز و انجام

خواجه در دیباچه این اثر از آن به تذکره یاد می‌کند و تصریح می‌نماید که آن را به درخواست دوستی نگاشته است. آغاز و انجام به زبان فارسی تدوین شده است و مشتمل بر بیست فصل است؛ فصول آن عبارتند از: در صفت راه آخرت و ذکر سالکانش؛ در اشاره به مبدأ و معاد و آمدن از فطرت اولی و رسیدن به انجام و ذکر شب قدر و روز قیامت؛ در اشاره به هر دو جهان و ذکر مراتب مردم در این جهان و آن جهان؛ در اشاره به مکان و زمان؛ در اشاره به حشر خلائق؛ در ذکر احوال اصناف خلق در آن جهان و ذکر بهشت و دوزخ؛ در اشاره به صراط؛ در اشاره به صحایف اعمال و کرام الکاتبین و نزول ملائکه و شیاطین بر نیکان و بدان؛ در اشاره به حساب و طبقات اهل حساب؛ در اشاره به وزن اعمال و ذکر میزان؛ در اشاره به طی آسمانها؛ در اشاره به نفخ صور و تبدیل زمین و آسمان؛ در اشاره به حالهایی که روز قیامت حادث شود و وقوف خلق به عرصات؛ در اشاره به درهای بهشت و دوزخ؛ در اشاره به زبانیه دوزخ؛ در اشاره به جویهای بهشت و آنچه در دوزخ به ازای آن بود؛ در اشاره به خازن بهشت و دوزخ و رسیدن مردم با فطرت اولی که در نشأه اولی بوده است؛ در اشاره به درخت طوبی و درخت زقوم؛ در اشاره به حور عین؛ در اشاره به ثواب و عقاب و عدل او.

دو فصل دوم و هفدهم آن و اندکی از مباحث برخی فصول به مبدأ، اختصاص دارد و دیگر فصول و مباحث درباره معاد و مسائل مرتبط با آن است. به تعبیر حضرت علامه حسن زاده



عبدالله صلواتی\*

## یک مسأله واحد در فلسفه‌های متفاوت به حسب تفاوت در نگرش بنیادین، چهره متفاوتی پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال قاعده «صرف الشیء لایتثنی و لایتکرر» (= صرف هر شیء متعدد نیست) فارغ از نگرش بنیادین آن، در فلسفه ملاصدرا و شیخ اشراق به لحاظ معنایی و کاربرد واحد است. اما با توجه به رهیافت متفاوت در دو فلسفه مذکور، این قاعده نیز به حسب کارکرد متفاوت می‌شود.



به خودی خود هیچ نباشد؛ گفتنی است مقام وحدت در آغاز و انجام، فوق همه مقامات بوده و پس از مقاماتی چون رضا، توکل و تسلیم مطرح می‌شود.<sup>۱۵</sup> همچنین خواجه با استفاده از حدیث «لو كشف الغطاء ما ازدت یقیناً» بیان می‌کند آنانی که دنیا و آخرت آنها متحد است، در مشاهده حقایق در انتظار قیامت نیستند و با تکیه بر کریمه «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» می‌گویند دیگر انسان‌ها بر مبنای در آخرت درمی‌یابند که هستی ایشان نیستی بوده و نیستی، هستی و ذات ایشان، بی ذاتی و بی ذاتی ایشان ذات و صفت ایشان بی صفتی و بی صفتی شان، صفت.<sup>۱۶</sup> شواهد یاد شده و دیگر قراین نشان از حضور نگرش عرفانی در این رساله است. عارف صمدانی علامه حسن زاده آملی در این باب می‌نویسد: «جناب محقق طوسی در این رساله بر مبنای حکیم و قویم توحید از دیدگاه مشایخ اهل الله که وحدت صمدی وجود است، بحث می‌کند.»<sup>۱۷</sup>

از دیگر ویژگی‌های این رساله، بیان گونه‌های مختلف مفاهیم قرآنی است؛ به عنوان نمونه خواجه بر پایه آیات قرآنی، به نیستی قهر، نیستی لطف و نیستی عفو اشاره می‌کند، آنجا که می‌نویسد: «نیستی قهر که به قیامت خاص و عام را باشد، «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»<sup>۱۸</sup> و نیستی لطف که اهل وحدت را باشد، «مَنْ أَحْبَبَنِ مَحَوْتَ أَثْرَهُ»؛ و نیستی عفو که اهل دوزخ را باشد، لَا تَبْقَىٰ وَ لَا تَدْرُ».<sup>۱۹</sup>

آغاز و انجام خواجه نصیرالدین طوسی در ۱۳۱۳/ق/۱۸۹۵م، ۱۳۳۴/ق/۱۹۰۶م، ۱۳۱۸ش و ۱۳۳۵ش در شیراز و تهران به چاپ رسیده است. نسخه‌های خطی آن افزون بر ایران (تهران، مشهد، همدان، قم)، در انگلستان (موزه بریتانیا)، پاکستان، ترکیه و مصر موجود است.<sup>۲۰</sup> به گزارش فهرستواره دستنوشته‌های ایران، ۹۴ نسخه‌ی خطی و میکرو فیلم از آغاز و انجام در کتابخانه‌های ایران موجود است که این امر حاکی از اقبال بسیار علما به کتاب یاد شده در دوره‌های مختلف است. گفتنی است در نسخ خطی آغاز و انجام از آن به منازل السائرین، تذکره و مبدأ و معاد نیز یاد شده است.<sup>۲۱</sup>

### ۲. بازتاب آغاز و انجام در اسرارالآیات

در این جستار، نخست به موارد حضور آغاز و انجام در اسرارالآیات اشاره می‌گردد و در مرحله بعد، نشان داده می‌شود چگونه نگرش وجودی ملاصدرا، مطالب آغاز و انجام را دگرگون می‌سازد.

آملی، آغاز و انجام خواجه، درباره شرح حال انسان در هر عالم است و یکی از رسائل در معرفت نفس به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> از برجستگی‌های این رساله، حضور چشمگیر آیات و روایات به عنوان رکن نه صرفاً مؤید، تأویل آیات و نگرش عرفانی است؛ از این رو می‌توان برخی مؤلفه‌ها و شیوه‌های حکمت متعالیه را در این رساله جستجو کرد. آغاز و انجام، حاکی از تسلط گسترده خواجه نسبت به آیات قرآنی و برقراری ارتباط بین آنها است. هرچند او در موارد گوناگون از آیات جهت تأیید گفتار خویش بهره می‌گیرد، اما در مواضع بسیار، آیه را معیار و حد وسط مباحث قرار می‌دهد و بر مبنای آن به نتایجی می‌رسد؛ به دیگر سخن در جاهای متعدد این اثر گفتار قبل و بعد از آیه خواجه، صرفاً به معنای تفسیر و تأویل آیه است.<sup>۲</sup>

تأویل نیز از مؤلفه‌های جدی این اثر است. خواجه در آغاز و انجام، آیات را تأویل کرده و به تعبیری تفسیر انفسی از آنها به دست می‌دهد. بنابراین می‌توان این رساله را یکی از ذخایر علمی دانست که انسان را دراعتلای علمی به فهم خطاب محمدی (ص) مدد می‌رساند.<sup>۳</sup>

در آغاز و انجام، مبدأ به شب قدر؛<sup>۴</sup> کریمه «اذا الوحوش حشرت»<sup>۵</sup> به حشر انسان به گونه‌های حیوانی؛<sup>۶</sup> جهنم و درهای آن به مشاعر هفتگانه ادراکی بدون حضور عقل و بهشت و درهای آن به مشاعر هفتگانه به انضمام ریاست عقل؛<sup>۷</sup> آیه «یوم تبدل الارض غیر الارض»<sup>۸</sup> به دگرگونی بنیادین نگرش انسان به اشیا؛ به دیگر سخن، به مشاهده حقیقت امور با ظهور سلطنت اسم واحد قهار الهی تأویل شده است.<sup>۹</sup>

همان طوری که بیان شد نگرش عرفانی به مباحث مبدأ و معاد از دیگر مؤلفه‌های محوری این اثر است. خواجه، آغاز و انجام را این چنین آغاز می‌کند: «سپاس آفریدگاری را که آغاز همه از اوست و انجام همه بدوست، بلکه خود همه اوست.»<sup>۱۰</sup> و تأکید می‌نماید که این اثر را برای اهل بینش به نگارش درآورده است.<sup>۱۱</sup> با توجه به تعبیر او در موضع دیگر از این رساله درمی‌یابیم که اهل بینش نزد خواجه در برابر اهل دانش مطرح می‌شود،<sup>۱۲</sup> نه مفهومی که دربردارنده اهل دانش هم باشد. افزون بر آن او به کرات از اهل وحدت در این اثر یاد می‌کند؛ ویژگی‌های اهل وحدت و تعلقات آن در آغاز و انجام عبارتند از: از سابقان بودن و منزله از سلوک بلکه خود، مقصد همه سالکان اند؛<sup>۱۳</sup> برخوردار از نیستی لطف؛<sup>۱۴</sup> انتقای وجود سالک در وجود حق به نحوی که

۱-۲ نمای کلی بازتاب

اسرار الآيات(بخش معاد)	آغاز و انجام	
مشهد دوم ذیل قاعده فی معرفه طریق الآخره و منشأ اعراض الخلق عن سلوکها، صص ۱۷۳-۱۷۵	فصل اول	۱
مشهد اول صص ۱۶۵-۱۶۶	فصل دوم	۲
مشهد دوم ص ۱۶۸، ۱۷۰ (مشمول بر یک چهارم مطالب)	فصل سوم	۳
مشهد دوم ذیل تبصره عقليه صص ۱۷۰-۱۷۱	فصل چهارم	۴
مشهد چهارم ذیل قاعده فی الحشر، صص ۱۸۲-۱۸۳ و ذیل بصیره برهانیه ص ۱۸۴	فصل پنجم	۵
بدون استفاده	فصل ششم	۶
مشهد پنجم فی الصراط، صص ۱۸۴-۱۸۶	فصل هفتم	۷
مشهد هفتم، صص ۱۹۵-۱۹۹	فصل هشتم	۸
مشهد هشتم، صص ۶۰۲-۷۰۲	فصل نهم	۹
بدون استفاده	فصل دهم	۱۰
مقدمه اسرار الآيات، صص ۱۷-۱۹ صرفا در حد تفاوت قائل شدن بین کلام و کتاب	فصل یازدهم	۱۱
مشهد ششم، با همان عنوان، صص ۱۸۹-۱۹۱	فصل دوازدهم	۱۲
مشهد ششم، با عنوان مشابه، ص ۱۹۳	فصل سیزدهم	۱۳
مشهد نهم، صص ۲۰۹-۲۱۱	فصل چهاردهم	۱۴
بدون استفاده	فصل پانزدهم	۱۵
بدون استفاده	فصل شانزدهم	۱۶
مشهد یازدهم، صص ۲۱۴-۲۱۶	فصل هفدهم	۱۷
مشهد دوازدهم ص ۲۱۶ استفاده از همان عنوان آغاز و انجام	فصل هجدهم	۱۸
بدون استفاده	فصل نوزدهم	۱۹
بدون استفاده	فصل بیستم	۲۰

۲-۲ بیان تفصیلی برخی از موارد بازتاب

در اسرار الآيات<sup>۳۰</sup> با عنوانی تقریباً مشابه، مطالب آغاز و انجام را به عربی ترجمه می‌کند.

ه. مطالب فصل نهم آغاز و انجام<sup>۳۱</sup> با عنوان حساب و طبقات اهل حساب در اسرار الآيات<sup>۳۲</sup> با عنوان الإشارة إلى طوائف الناس من جهة الحساب، با اندکی دخل و تصرف و اضافات گزارش شده است.

و. فصل چهاردهم آغاز و انجام<sup>۳۳</sup> درباره درهای بهشت و جهنم است و مطلب محوری آن بیان این امر است که مدارک هفتگانه بشری (حواس پنجگانه، خیال و وهم) به همراه عقل و با تبعیت از آن، هشت در بهشت‌اند و فارغ از عقل و با پیروی از هواهای نفسانی، هفت در جهنم‌اند. ملاصدرا نظر یادشده را از خواجه وام گرفته و در مشهد نهم بخش معاد اسرار الآيات که درباره بهشت، جهنم و ابواب آنهاست گزارش کرده است با این تفاوت که بجای عقل، مفهوم قلب را مطرح کرده است.<sup>۳۴</sup>

ز. ملاصدرا در مشهد یازدهم بخش معاد اسرار الآيات، در بیان درجات جنان و درکات نیران، مطالب فصل هفدهم آغاز و

الف. ملاصدرا، بخش معاد اسرار الآيات<sup>۳۳</sup> را با فصل دوم آغاز و انجام، آغاز می‌کند؛ آنجاکه خواجه می‌نویسد: «مبدأ، فطرت اولی است و معاد عود بآن فطرت است، فَأَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فُطِرْتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ که اول خدا بود و هیچ نه، «کان الله و لم یکن معه شیء».

پس خلق را از نیست هست گردانیده.... پس اگر مبدأ شب قدر است، معاد روز قیامت است.»<sup>۳۴</sup>

ب. فصل پنجم آغاز و انجام<sup>۳۵</sup> در مشهد چهارم در بخش معاد اسرار الآيات<sup>۳۶</sup> در بعث و حشر با برخی تصرفات و افزوده‌ها نقل شده است.

ج. خواجه در فصل هفتم این رساله<sup>۳۷</sup>، در طی چند جمله کوتاه، صراط را توصیف می‌کند، و ملاصدرا همه مطالب آن را در اسرار الآيات<sup>۳۸</sup> همراه با توضیحات و مطالب افزوده‌ای نقل می‌کند.

د. فصل هشتم آغاز و انجام<sup>۳۹</sup> درباره صحایف اعمال، کرام الکااتبین و نزول ملائکه و شیاطین بر نیکان و بدان است؛ ملاصدرا

ابن سینا با طرح تمایز مابعدالطبیعی وجود و ماهیت، باب تفکر در باب واقعیت داشتن،  
 عینیت و اصالت وجود یا ماهیت را گشود؛ غالب فیلسوفان پس از او  
 همانند سهروردی و میرداماد به نحو سیستمی یا غیر سیستمی،  
 از اصالت ماهیت سخن گفته‌اند.

۳. نگرش وجودی و تحولات بنیادین مباحث آغاز  
 و انجام در اسرار الایات

ابن سینا با طرح تمایز مابعدالطبیعی وجود و ماهیت، باب تفکر در باب واقعیت داشتن، عینیت و اصالت وجود یا ماهیت را گشود؛ غالب فیلسوفان پس از او همانند سهروردی و میرداماد به نحو سیستمی یا غیر سیستمی، از اصالت ماهیت سخن گفته‌اند.<sup>۳۷</sup> همچنین به گزارش ملاصدرا، دوانی به اصالت وجود در واجب و اصالت ماهیت در ممکنات قائل شد.<sup>۳۸</sup> ملاصدرا نیز در آغاز با استاد خود، میرداماد، بر عقیده اصالت ماهیت اصرار داشت. اما از آن عقیده برمی‌گردد<sup>۳۹</sup> و با نقد و رد دلایل موافقان آن و اقامه براهین متعدد، اصالت وجود را اثبات می‌کند و متن خارج را به وجود<sup>۴۰</sup> می‌سپارد؛ به این بیان که وجود اولاً و بالذات بهره‌مند از عینیت و منشأ آثار است و ماهیت به واسطه‌ی وجود، موجود تبعی، بالعرض و در نهایت برخوردار از تحقق مجازی و ظلی است.<sup>۴۱</sup> او بر پایه‌ی نظریه‌ی یاد شده، وجود را به عنوان موضوع فلسفه خویش و محور همه معارف و قواعد حکمی تلقی می‌کند و جهل بدان را جهل به امهات مسائل حکمی می‌داند.<sup>۴۲</sup>

نگرش وجودی ملاصدرا را می‌توان به عنوان عامل وحدت بخش در نظام صدرایی مبتنی بر تنوع روشی تلقی کرد. و دقیقاً به دلیل حضور نگرش وجودی در فلسفه ملاصدرا، تعلیم وحیانی در آثار او، موجبات تحویل فلسفه ملاصدرا به کلام را فراهم نمی‌کند.<sup>۴۳</sup> همچنین حضور آموزه‌های عرفانی در کتب ملاصدرا سبب خروج از بحث فلسفی نمی‌گردد، به تعبیری او با نگرش یاد شده، به حقایق وحیانی و مسائل عرفانی صورت فلسفی می‌بخشد؛ به عنوان نمونه مباحث قرآنی و عرفانی در اسرار الایات، در ارتباط با تبدیل وجودی مطرح می‌شوند.

به دیگر سخن هرچند فلسفه مشتمل بر مجموعه‌ای از مسائل است، اما در هر فلسفه‌ای، برخی مسائل به عنوان اصل محوری و مبنایی مطرح اند و دیگر مسائل مبتنی بر آن هستند و با آن تفسیر شده و نظام می‌یابند که از آن می‌توان به نگرش بنیادین آن فلسفه یاد کرد.

اصالت وجود در حکمت متعالیه، به عنوان نگرش بنیادین، مطرح است و به واسطه‌ی آن، مسائل دیگر، چهره جدیدی می‌یابند و اساساً با تغییر آن، تحولی در دیگر اضلاع معرفتی علم پدید می‌آید و طرحی نو از یک نظام شکل می‌گیرد، بنابراین یک مسأله واحد

انجام را با اضافاتی بیان می‌کند.<sup>۳۵</sup> در فصل هفدهم آغاز و انجام آمده است: «در نشأه اولی به ابتدا مردم را وجود داده‌اند، پس آگاهی، پس قدرت، پس اراده. چه در اول یک چندی موجود بودند در صورت سلاله و نطفه و علقه و مضغه و عظام و لحم تا بعد از آن زنده و خیردار شدند، «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» و یک چندی زنده بود تا قوه حرکت و بطش در او ظهور کرد. و یک چندی متحرک بود تا قوه تمیز میان نافع و ضار در او به فعل آمد و بعد از این قوتها مرید نافع و کاره ضار گشت. و چون معاد عود است به فطره اولی می‌بایست که این صفات

در او منتفی شود بر عکس این ترتیب پس اول باید ارادت او در ارادت واحد مطلق که موجد کل است مستغرق و منتفی شود چنان که او را هیچ ارادت نماند. و چون وجود کل تابع ارادت واحد مطلق است تعالی ذکره. پس هر چه آید مطابق ارادت او باشد و این درجه رضاست و صاحب این درجه همیشه در بهشت بود. «لَهُمْ مَا يَشَاؤُنَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ» و به این سبب خازن بهشت را رضوان گویند. چه تا به این مقام نرسد از نعیم بهشت نیاید «وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ». و بعد از آن باید که قدرتش در قدرت او تعالی منتفی شود تا قدرت خود را به هیچ مغایر قدرت او نداند و آن را مرتبه‌ی توکل خوانند، «وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا». و بعد از آن باید که علمش در علم او تعالی منتفی شود تا بخودی خود هیچ نداند و این مرتبه را تسلیم خوانند، وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. و بعد از آن باید که وجودش در وجود او منتفی شود تا بخودی خود هیچ نباشد و این مقام اهل وحدت است،...»<sup>۳۶</sup>



ابن سینا

## به گزارش ملاصدرا فقدان نگرش وجودی و به تبع آن خلط بین وجود و ماهیت و انکار تشکیک در حقیقت واحد سبب شده است تا ابن سینا از پذیرش حرکت در جوهر سرباز زند و انسان را در همان آغاز جوهر عقلانی مجرد و متصل بالفعل تلقی کند.

در فلسفه‌های متفاوت به حسب تفاوت در نگرش بنیادین، چهره متفاوتی پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال قاعده «صرف الشی لایتثنی و لایتکرر» (= صرف هر شی متعدد نیست) فارغ از نگرش بنیادین آن، در فلسفه ملاصدرا و شیخ اشراق به لحاظ معنایی و کاربرد واحد است.<sup>۳۴</sup> اما با توجه به رهیافت متفاوت در دو فلسفه مذکور، این قاعده نیز به حسب کارکرد متفاوت می‌شود؛ چنان که در نگرش وجودی، توان اثبات توحید را داراست و در نگرش دیگری از دفع کثرت واجب ناتوان است؛ به این بیان که قاعده مذکور بنابر نگرش ماهوی تام نیست به دلیل آنکه بر پایه اصالت ماهیت، می‌توان دو ماهیت مجهول الکنه و واجب فرض کرد که هر یک دارای فرد واحد است و آن فرد صرف الشیء بوده و کثرتی در او راه ندارد، اما بر مبنای اصالت وجود، اشکال مذکور وارد نیست.<sup>۳۵</sup>

فقدان نگرش وجودی نزد فیلسوفان پیش از ملاصدرا، آنها را از اثبات و تبیین بسیاری از مسائل همانند حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول، مثل افلاطونی، معاد جسمانی، تحول و اشتداد وجود انسانی، مراتب، مقامات و نشأت وجودی نفس و همچنین حل و فهم بسیاری از آیات و روایات بازداشته است. به عنوان نمونه به گزارش ملاصدرا فقدان نگرش وجودی و به تبع آن خلط بین وجود و ماهیت و انکار تشکیک در حقیقت واحد سبب شده است تا ابن سینا از پذیرش حرکت در جوهر سرباز زند و انسان را در همان آغاز جوهر عقلانی مجرد و متصل بالفعل تلقی کند.<sup>۳۶</sup> و از آنجا که حرکت جوهری زیربنای تبیین و اثبات بسیاری از مسائل فلسفی همچون حدوث جسمانی نفس، معاد جسمانی، ربط متغیر به ثابت و مثال صعودی انسان است، انکار حرکت جوهری نیز به ناتوانی در حل مسائل یاد شده می‌انجامد.<sup>۳۷</sup> و انکار اتحاد عاقل و معقول نزد حکمایی چون خواجه نصیرالدین طوسی سبب شده است ملکات و خلقیات انسانی به مثابه‌ی کمال ثانی، امور مفارق غیر لازم و زاید بر ذات تلقی گردند و برپایه آن به وحدت نوعی انسان‌ها حکم شود.<sup>۳۸</sup>

شایان ذکر است به گزارش ملاصدرا حکمایی چون ابن سینا به همان اندازه که در باب امور عامه و مباحث ماهوی و مفهومی قوت نشان داده‌اند، در مسائل مرتبط با وجود ضعیف عمل کرده‌اند.<sup>۳۹</sup> همچنین ملاصدرا در موضع دیگر تصریح می‌نماید: مباحث وجودی نیازمند قوت در مکاشفه و بحث است. اما بسیاری از حکما سرگرم مباحث مفهومی و بحث از احکام مفاهیم کلی‌اند و

اساساً موضوع علم شان، بر بنیاد مفاهیم بنا شده است، نه انیات وجودی و در مسائل وجودی راجل‌اند.<sup>۴۰</sup> او فهرست تفصیلی از مسائل وجودی به دست می‌دهد که برخی فیلسوفان موفق به فهم، اثبات و تبیین آن نشده‌اند.<sup>۴۱</sup>

ملاصدرا، بر مبنای اصل یاد شده، از وجود انسان و احکام و خواص آن سخن می‌گوید و دقیقاً به همین دلیل در فلسفه صدرایی، احکام وجودی چون وحدت سعی در مقابل وحدت عددی، تطور و سیالیت در مراتب و تجرد فوق عقلانی به نحو سیستمی مطرح می‌گردد.

مسائل مطروحه در حکمت متعالیه همگی متأثر از نگرش بنیادین وجودی‌اند، خواه حکیم متأله در حکمت متعالیه به این تأثیر تصریح کند خواه اشارتی به آن نداشته باشد؛ و این تأثیر سبب تحول و تعالی مسائل می‌گردند، اما برخی بدون توجه به این تحول و تعالی، حکمت متعالیه را در حد اقتباس و التقاط تنزل می‌دهند.

در اسرارالآیات نیز ملاصدرا از خواجه نصیرالدین طوسی، سید حیدر آملی، ابن عربی و دیگران بهره می‌گیرد، اما آنچه در نهایت عرضه می‌شود، فراتر از یک اقتباس ساده، مسائلی متعالی است؛ مسائلی که به مثابه جزئی از یک کلیت و شبکه معرفتی است.

مقامات انسانی که در آغاز و انجام مطرح شده است، برآمده از وجود و نگرش وجودی نیست و در نظام سازوار وجودی ارائه نشده است؛ بنابراین خواجه در تجرید الاعتقاد، وجود را



ملاصدرا

به تعبیر حضرت علامه حسن زاده آملی، آغاز و انجام خواجه، درباره شرح حال انسان در هر عالم است و یکی از رسائل در معرفت نفس به شمار می‌رود.

## انکار اتحاد عاقل و معقول نزد حکمای چون خواجه نصیرالدین طوسی سبب شده است ملکات و خلقیات انسانی به مثابه کمال ثانی، امور مفارق غیر لازم و زاید بر ذات تلقی گردند و بر پایه آن به وحدت نوعی انسان‌ها حکم شود.

آن به انسان سبعوع یاد می‌کنیم و از این جا می‌توان سر آیه «أم تحسب أن أكثرهم یسمعون أو یعقلون إن هم إلا كالأنعام بل هم أضل سبیلاً»<sup>۵۵</sup> را دریافت، در منزلگاهی، آثار و کمالات فرشتگان، از ذات او منتشی می‌شود که در این هنگام از او به انسان ملک یاد می‌شود و در هیچ یک از این تحولات وجودی، حرکت قهقراپی از فعلیت به سوی قوه رخ نداده است، بلکه با حفظ فعلیت قبلی، فعلیت جدید کسب شده و با بقای وجود طبیعی انسان، وجود غیر طبیعی خاص، شکل گرفته است. شایان توجه است که نگرش وجودی به تنهایی قادر به ارائه حکمت متعالیه نیست. به دیگر سخن: در شبکه معرفتی ملاصدرا افزون بر نگرش وجودی، حضور جدی و گسترده معارف وحیانی در مقام دآوری و گردآوری مطرح است و این امر بر غنا و تعالی فلسفه صدرایی می‌افزاید و حکیم مسلمانی چون ملاصدرا با مدد از عقل قابلی و فرقانی و به مثابه‌ی یک فیلسوف، نه محدث یا اخباری درصدد برمی‌آید از معارف وحیانی، نه در حد تأیید که به عنوان رکنی از شبکه معرفتی می‌نگرد. بنابراین ملاصدرا از یک سو در آثارش به ویژه اسرارالآیات نگرش وجودی را در تحلیل مقامات قرآنی انسان به کار می‌گیرد و از سوی دیگر از مقامات قرآنی انسان به عنوان مراتب وجودی در تحلیل کثرت نوعی انسان مدد می‌گیرد؛ از این رو تعبیر قرآنی چون مقربان<sup>۵۶</sup>، اصحاب یمین<sup>۵۷</sup>، اهل استقامت<sup>۵۸</sup>، مومن، متقی، خیر البریه، صدیقین، شهداء، صالحین، کافر، منافق، شر البریه، اصحاب شمال، مشرک، دروغگوی گناهکار<sup>۵۹</sup>، پست تر از چهارپا و وحوش در نگرش وجودی ملاصدرا به منزله انواع انسانی اند، نه اصناف و افراد انسانی.<sup>۶۰</sup>

شایان ذکر است گروه‌های یاد شده با تفصیل بیشتری در کتب اخلاقی، فلسفی و عرفانی ذکر شده‌اند، اما مبنای دسته بندی در آنها تقسیمی صنفی است؛ یعنی تفاوت طوایف انسانی به عوارض و مشخصات است یا آنکه تقسیم جوهری و ذاتی است، نه صنفی، اما مبانی مورد نیاز برای اثبات و تبیین جوهری بودن تقسیم به نحو سیستمی و کارآمد در آنها مطرح نیست. اما در حکمت متعالیه بر پایه نگرش وجودی و مبانی غنی چون حرکت وجودی، اتحاد عاقل و معقول و وحدت تشکیکی وجود، مبنای دسته بندی انسان‌ها، تقسیمی به حسب ذات و حقیقت است.<sup>۶۱</sup> اما در آغاز و انجام از گروه‌های مختلف انسانی از منظر قرآن به اصناف یاد می‌شود.<sup>۶۲</sup>

محمول عقلی و معقول ثانی تلقی می‌کند، و علامه حلی در شرح آن بیان می‌کند وجود از امور ثابت در اعیان و به تعبیری امر عینی نیست.<sup>۵۲</sup> اگر هم بپذیریم که وجود نزد خواجه اصیل است، باید گفت خواجه، وجود را در نظامی سازوار و دستگاه منسجمی که مسائل را به نحو سیستمی تحلیل و بررسی کند، وارد نمی‌کند. اما ملاصدرا به این مهم توجه دارد و مباحث را در سیستمی وجودی دگرگون می‌کند؛ چنان که مدارج و درکات انسانی فصل هفدهم آغاز و انجام را مرتبط با وجود مطرح می‌کند؛ به این بیان که او مقام رضا را از منظر وجودی، تبدیل وجودی تلقی می‌کند؛ تبدیل از وجود ظلمانی به وجود نورانی؛ بنابراین که ملاصدرا بر پایه شبکه معرفتی که در آن نگرش وجودی، اتحاد عاقل و معقول و کثرت نوعی انسان مطرح است، مدارج و درکات انسانی را به درون عمارت وجود انسان برده است و بر اساس آن مقام رضا را در نظام سازوار وجودی‌اش تحلیل می‌کند؛ رضا یعنی مشاهده وجه حق در هر شیء؛ و این مهم با تبدیل وجودی حاصل می‌شود؛ به این بیان که خدا وجود بیکران و صمد است و مشاهده آن مقتضی گذر از وجود مقید و ظلمانی به وجودی متعالی و نورانی است. به دیگر سخن: در تحلیل مقام رضا در فن فلسفه به نگرش وجودی نیاز داریم و در تحقق مقام رضا به اصالت وجود در انسان محتاجیم؛ عرفای عظام نیز بر این گونه از اصالت تأکید دارند؛ چنان که سید حیدر آملی در این باب بیان می‌کند: انسانی که نور وجود بر او نمی‌تابد و در متن وجود آرام نگرفته و در دام کثرات و مقیدات گرفتار است، انسانی اصیل نیست.<sup>۵۳</sup> و بنابر اتحاد عاقل و معقول، علوم و ملکات انسانی، وجود انسان را گسترش می‌دهد و وجود به مثابه ذات در نگرش وجودی است، علوم، ملکات و مقامات، ذات انسانی را اشتداد می‌بخشد، و انسانی که به مقام رضا دست یافته، حقیقتاً و به حسب ذات، مابین و متفاوت با دیگر انسان‌هاست و این گونه نیست که او ذاتاً همانند دیگر انسان‌ها باشد و صرفاً در محور عوارض و امور بیرون از ذات، متفاوت با انسان‌های دیگر باشد.

به دیگر سخن: وجود انسان، در حرکت و سفر خویش، با گونه‌های فراوانی از صورت‌ها و انواع همراه است (= قد تبدلت علیه صور الاشیاء<sup>۵۴</sup>) و گویی این انواع، تعبیر آن وجود متحول یا وجود زبان یافته و فهمیده شده از سوی ماست؛ در مرحله ای، آثار سبعوعیت به نحو ذاتی و دائمی از این وجود سر می‌زند که از

در اسرار الآيات نیز ملاصدرا از خواجه نصیر الدین طوسی، سید حیدر آملی، ابن عربی و دیگران بهره می‌گیرد، اما آنچه در نهایت عرضه می‌شود، فراتر از یک اقتباس ساده، مسائلی متعالی است؛ مسائلی که به مثابی جزئی از یک کلیت و شبکه معرفتی است.

## آغاز و انجام، حاکی از تسلط گسترده خواجه نسبت به آیات قرآنی و برقراری ارتباط بین آنها است.

يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. وبالجملة يحشر كل أحد إلى غاية سعيه و عمله و نهاية قصده و نيته و همته و ما يحبه و يشقاق إليه، «المرء يحشر مع من أحب»، كما قال: احشروا الذين ظلموا و أزواجهم، و قوله: فَو رَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَ الشَّيَاطِينَ، حتى أنه «لو أحب أحدكم حجرا يحشر معه».<sup>۶۲</sup>

همان طور که مشاهده می‌شود ملاصدرا مطالب فصل پنجم آغاز و انجام را در ساختار کثرت نوعی انسان بیان می‌کند و از آنجاکه تفاوت بین نظریه وحدت نوعی انسان و عقیده کثرت نوعی انسان، تفاوت جوهری دارند، اقوال مبتنی بر وحدت نوعی انسان در آغاز و انجام و بیانات برپایه کثرت نوعی انسان در اسرار الآيات با یکدیگر جوهرها متفاوت‌اند.

فصل چهاردهم آغاز و انجام نیز با تغییرات و اضافاتی در اسرار الآيات مطرح می‌شود که از آن جمله‌اند:

۱. حواس پنجگانه ظاهری، درهای بهشت نیستند، بلکه حواس پنجگانه باطنی که حواس ذاتی نفس بوده و به بقای نفس باقی‌اند به همراه محسوساتشان، اهل بهشت‌اند.

۲. سمع و بصر اهل سعادت، تخالف نوعی با سمع و بصر اهل شقاوت دارد، هرچند در اصل حس و شعور اشتراک دارند؛ به این بیان که سمع، بصر و قلب اهل بهشت، با تبدیل اخروی و تحویل الهی، درخور بهشت شده است، اما مدارک اهل جهنم با تبدیل اخروی، ظلمانی تر و آلوده تر شده است و شایسته دوزخ گردیده است.

۳. باب هشتم در اسرار الآيات به جای عقل، قلب معرفی شده است. شاید بتوان گفت مصحح این تغییر، معرفی وهم به مثابه عقل ساقط در حکمت متعالیه باشد و بنابراین که وهم یکی از مدارک سبعة در آغاز و انجام معرفی شده است و از طرفی وهم، عقل ساقط است، بنابراین وجهی برای تکرار عقل باقی نمی‌ماند. یا اینکه می‌توان گفت ملاصدرا در این تغییر ناظر به معارف طور و رای طور عقل است و اینکه بهشت محصول دلی است که نیازمند یافته‌های وحیانی نبی است و در این میان عقل، نقش قابل‌ی یعنی ترجمه، تبیین و تفسیر معارف را به عهده دارد.

اضافات ملاصدرا در محور تفاوت مدارک اهل جهنم و بهشت، مبتنی بر نگرش وجودی، حرکت وجودی و در نهایت، تباین نوعی انسان است، بنابراین می‌توان ادعا کرد فصل چهاردهم آغاز و انجام نیز که به نظر ظاهری در اسرار الآيات تکرار شده است، در

بنابراین با نگرش یاد شده مبحث فصل هفدهم آغاز و انجام از محور تحلیل ماهوی به تحلیل وجودی ارتقا می‌یابد؛ اما بنابر شبکه معرفتی حاکم بر آغاز و انجام، یعنی انکار اتحاد عاقل و معقول و عقیده به وحدت نوعی انسان، مقامات انسانی، بیرون از عمارت ذات و وجود انسانی‌اند نه درون آن و انسان سالک در همه مراتب سلوک، از ذات واحدی بهره‌مند است، ذاتی که تفاوتی در آن به حسب تعالی از مرتبه یا تنزل از رتبه رخ نداده است؛ از این رو مقامات قرآنی در آغاز و انجام به عنوان انواع انسانی تلقی نمی‌شوند.

بنابراین فصل هفدهم آغاز و انجام با دو تغییر بنیادی (= نگرش وجودی و کثرت نوعی انسان) در اسرار الآيات مطرح می‌شود. فصل دوم نیز برپایه نگرش وجودی در اسرار الآيات حضور می‌یابد.

فصل پنجم آغاز و انجام نیز براساس کثرت نوعی انسان که خود مبتنی بر نگرش وجودی است در اسرار الآيات راه می‌یابد؛ برای آگاهی بیشتر به برخی از عبارات‌های مشابه دو کتاب مراجعه می‌کنیم:

آغاز و انجام... اما حشرها هم متفاوت است. قومی را چنین است که «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا» و قومی را چنین که «يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ» بر جمله، حشر هر کسی با آن باشد که سلوکش در طلب آن بوده باشد، «و احشره مع من كان يتولاه» و به این سبب، «احشروا الذين ظلموا و أزواجهم»، و همچنین «فَو رَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَ الشَّيَاطِينَ» تا بحدی که، «لو أحب احدكم حجرا يحشر معه».<sup>۶۳</sup>

اسرار الآيات: اعلم أن حشر الخلائق على أنحاء مختلفة لما علمت سابقا من أن الإنسان سيصير أنواعا مختلفة بحسب الباطن و الروح، بعد أن كان نوعا بحسب الطبيعة البشرية، و ذلك من جهة اختلاف ملكاتهم الحاصلة من تكرر أعمالهم، فالحشر لقوم على سبيل الوفاء إلى الحق «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا»، و لقوم على سبيل جهنم و قوله: وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِدًا، و لقوم على سبيل التعذيب «يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ»، و قوم كما في قوله: يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ، و قوله: يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ، و قوم كما قال: وَ نَحْشُرُهُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا، و قوم كما قال: وَ نَحْشُرُهُ

نگاهی دیگر، وارد شبکه معرفتی جدیدی شده و جوهراً متفاوت شده است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که هرچند برخی فصول آغاز و انجام از جمله فصل نهم ظاهراً بدون حضور نگرش وجودی و مسائل حکمت متعالیه در اسرارالآیات مطرح می‌شود، اما باید توجه داشت، که حضور شبکه معرفتی و تأثیر آن بر مسائل لزوماً نیازی به تصریح و تکرار نگرش‌های بنیادین و مبانی مؤثر ندارد و در این بخش (مواضعی از اسرارالآیات و دیگر کتب ملاصدرا که به نگرش وجودی تصریح نشده)، خواننده باید مسائل را بر مبنای آن شبکه معرفتی قرائت نماید؛ به عنوان نمونه فصل نهم آغاز و انجام بدون حضور نگرش وجودی در اسرارالآیات تکرار می‌شود یعنی در هر دو کتاب از اصناف انسان‌های برانگیخته در قیامت سخن به میان می‌آید، اما از آنجا که شبکه معرفتی صدرایی مبتنی بر نگرش وجودی و مسائل مبتنی بر آن چون وحدت تشکیکی وجود، حرکت وجودی و کثرت نوعی انسان است و در اسرارالآیات نیز بارها به موارد یاد شده تصریح شده است، بنابراین، اصناف انسانی در قیامت، در اسرارالآیات باید بر مبنای نگرش وجودی و کثرت نوعی انسان به انواع انسانی متفاوت به تفاوت تفاضلی در محور وجود و تباین ماهوی تفسیر و تحلیل شود.

## منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۳، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹.
۲. ابن سینا، التعليقات، چاپ عبدالرحمن بدوی، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزه العلمیه، بی‌تا.
۳. آشتیانی، سید جلال الدین، شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۴. آملی، سید حیدر، المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص الحکم، تصحیح هانری کرین و عثمان یحیی، تهران، انستیتو ایران و فرانسه و پژوهش‌های علمی، ۱۳۵۲ / ۱۹۷۴.
۵. جوادی آملی، عبدالله، شرح حکمت متعالیه، بخش یک از جلد ششم، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۸.
۶. حسن زاده آملی، حسن، گشتی در حرکت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، بی‌تا.
۷. حلی، کشف المراد، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۷.
۸. صلواتی، عبدالله، درآمدی به نظام حکمت صدرائی، کتاب ماه فلسفه، شماره ۱۰ و ۱۱، تیر و مرداد ۱۳۸۷.
۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، اسرارالآیات، به انضمام تعلیقات حکیم مولی علی نوری، تحقیق سید محمد موسوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۴.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۶۸.
۱۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیه

فی الاسفار العقلیه الاربعه، تصحیح و تعلیقه حسن زاده آملی تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح الهدایة الاثیریة، چاپ سنگی، بی‌تا.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الشواهد الربوبیه، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، ۱۳۶۰.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، کتاب المشاعر، تصحیح کرین، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.
۱۵. سهروردی، شهاب الدین یحیی، حکمة الاشراق، در مجموعه مصنفات شیخ اشراق ج ۲، تصحیح هانری کرین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.
۱۶. نصیرالدین طوسی، آغاز و انجام، مقدمه، شرح و تعلیقات علامه حسن زاده آملی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۷. فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، مجلد یازدهم: مولفان دستنوشته‌های ایران، به کوشش مصطفی درایتی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.

18. Fazlur Rahman, *The philosophy of Mulla sadra*, Albany, State University of New York Press, 1975.

## بی‌نوشت‌ها

\* salavati1385@yahoo.com

۱. آغاز و انجام، تعلیقه علامه حسن زاده آملی، ص ۸۰.
۲. همان، ص ۵۹، ۲۸، ۳۳.
۳. همان، ص ۸۱.
۴. آغاز و انجام، ص ۱۰.
۵. تکویر/۵.
۶. آغاز و انجام، ص ۲۴.
۷. همان، صص ۵۸-۵۹.
۸. ابراهیم/۴۸.
۹. آغاز و انجام، ص ۵۰.
۱۰. همان، ص ۱۰.
۱۱. همان.
۱۲. همان، ص ۳۶.
۱۳. همان، ص ۲۸.
۱۴. همان، صص ۳۰-۳۱.
۱۵. همان، صص ۶۳-۶۴.
۱۶. همان، ص ۵۰.
۱۷. آغاز و انجام، تعلیقه علامه حسن زاده، ص ۸۲.
۱۸. قصص/۸۸.
۱۹. مدثر/۲۸.
۲۰. آغاز و انجام، صص ۲۹-۳۰؛ هم‌چنین برای اقسام حشر رک: همان، صص ۲۳-۲۴.
۲۱. دایرة المعارف بزرگ، مدخل «آغاز و انجام».
۲۲. فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، ج ۱۱، صص ۷۰-۶۷.
۲۳. صص ۱۶۵-۱۶۶ (اعلم أن المبدأ هی الفطرة الأولى كما قال فطرت



اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ، و المعاد هو العود إليها، لقوله: كَمَا يَدَّأكُمْ تَعْوِدُونَ، فالإشارة إلى المبدأ قوله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: كان الله و لم يكن معه شيء، و قوله: وَ قَدْ خَلَقْتِكُمْ مِنْ قَبْلِ وَ لَمْ تَكُنْ شَيْئاً، و قوله: هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً، فهذا الوجود للممكن هو الخروج من العدم الأصلي إلى الكون و هو الحدوث... فالعبارة من الأول ليلة القدر، و العبارة من الثاني يوم القيامة، ففي ليلة القدر «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»، و في يوم القيامة «تُفْرَجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ».

۲۴. آغاز و انجام، صص ۹-۱۰.

۲۵. همان، صص ۲۳-۲۴.

۲۶. همان، صص ۱۸۲-۱۸۴.

۲۷. همان، صص ۱۸۴-۱۸۶.

۲۸. همان، صص ۳۳-۳۴.

۲۹. همان، صص ۱۹۰-۱۹۲.

۳۰. همان، صص ۳۵-۳۶. (قول و فعل مادام که در کون اصوات و حرکات باشند از بقا و ثبات بی نصیب باشند...)

۳۱. همان، صص ۱۹۵-۱۹۷. (اعلم أن القول و الفعل ما دام وجودهما فی أکوان الحركات و الأصوات...)

۳۲. همان، صص ۴۱-۴۲.

۳۳. همان، صص ۲۰۶-۲۰۷.

۳۴. همان، صص ۵۸-۵۹.

۳۵. اسرار الآيات، صص ۲۰۹-۲۱۱.

۳۶. همان، صص ۲۱۴-۲۱۶.

۳۷. آغاز و انجام، صص ۶۳-۶۴.

### 38. The philosophy of Mulla sadra, p31-32

۳۹. رک: الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، صص ۴۰۷-۴۰۸. برای آگاهی از نقد برداشت ملاصدرا رک: همان، ج ۱، تعلیقه حسن زاده آملی، ص ۶۴۸. درآمدی به نظام حکمت صدرائی، صص ۳۵-۳۶.

۴۰. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۴۹.

۴۱. وجود، دارای اطلاعات گوناگون است از جمله موجودیت مصدری، عامل تحقق و تدوّن شی در نفس الامر، حقیقت در قبال مفهوم، حقیقت در قبال ظل، وجود واجبی، مطلق وجود اعم از ذهنی و خارجی، حصص ذهنی مفهوم وجود مطلق یا مقید، که مراد از وجود در اینجا، وجود در مقابل مفهوم و موجودیت مصدری است. ماهیت نیز دارای اطلاعات متعدد از جمله مقول فی جواب مای حقیقی، کلی طبیعی، مقول فی جواب السؤال عن الذاتیات و العرضیات، مطلق مفاهیم ذهنی، مابه الشی هو هو، مایحکی عن الحد العقلی و امری اعم از حقیقت موجود و ماهیات معدوم که مراد از ماهیت در اینجا، مقول فی جواب ماهو و کلی طبیعی است (تعلیقه بر شرح منظومه حکمت سبزواری، صص ۱۰۰-۱۰۱).

۴۲. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۳۹؛ المشاعر، صص ۱۵ - ۹؛ الشواهد الربوبیة، ص ۸.

۴۳. الشواهد الربوبیة، ص ۱۴ «و الحق أن الجهل بمسأله الوجود للانسان یوجب له الجهل بجمیع اصول المعارف و الارکان؛ لأنّ بالوجود یعرف کل شیء.»؛ المشاعر، ص ۴ (لما كانت مسألة الوجود أس القواعد الحکمیة، و مبنی المسائل الإلهیة، و القطب الذی یدور علیه ریح علم التوحید و علم المعاد و حشر الأرواح و الأجساد، و کثیر مما تفرّدنا باستنباطه، و توحدنا باستخراجه، فمن جهل بمعرفة الوجود

یسرى جهله فی أمهات المطالب و معظمتها و بالذهل عنها، فاتت عنه خفیات المعارف و خبیئاتها، و علم الربوبیات و نبواتها، و معرفة النفس و اتصالاتها و رجوعها إلى مبدأ مبادئها و غایاتها).

۴۴. شایان توجه است که شبهه زدایی از مقومات و مقاصد علم کلام است اما در حکمت متعالیه چنین دغدغه‌ای اصالت ندارد.

۴۵. حکمه الاشراف، در مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۳۵؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۱۳۴؛ شرح الهدایة الاثریة، ص ۲۹۲.

۴۶. ریح مختوم، بخش ۱، ج ۶ صص ۴۳۲ - ۴۳۳، ۴۶۱.

۴۷. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۳، صص ۹۸-۱۰۸، ج ۸، صص ۲۵۷-۲۵۸، ج ۹، صص ۱۰۹-۱۲۰؛ الشواهد الربوبیة، صص ۹۸-۹۹.

۹۹. شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، صص ۶۸-۶۹، ۷۶-۷۷؛ شایان ذکر است ملاصدرا منشأ اشتباه منکران حرکت جوهری را در اموری چون

عدم تفکیک وجود و ماهیت، عرض دانستن وجود و اصالت ماهیت معرفی کرده است؛ به دلیل خلط وجود و ماهیت پنداشته اند در حرکت جوهری،

ماهیت، متجدد و منقلب می شود مثلا با حرکت جوهری در انسان، ماهیت انسان به غیر انسان مبدل می شود. به دلیل عرض دانستن وجود، با راه

یابی تجدد در وجود، حرکت جوهری به حرکت عرضی تبدیل می شود و به سبب اصالت ماهیت و اعتباریت وجود، و عدم راه یابی تشکیک و اشتداد

در ماهیت، حرکت جوهری که مبتنی بر تشکیک و اشتداد است قابل تبیین نخواهد بود (الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۳، صص ۹۸-۱۰۸، ج ۸، صص ۲۵۷-۲۵۸؛ الشواهد الربوبیة، صص ۹۸-۹۹).

۴۸. برای مشاهده فهرست تفصیلی مسائل مبتنی بر حرکت جوهری، رک: گشتی در حرکت، صص ۳۱۴-۳۳۰.

۴۹. کشف المراد، ص ۱۸۸.

۵۰. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۹، ص ۱۰۹. سخن

مذکور در پاره‌ای موارد درست است، اما کلیت ندارد؛ زیرا ابن سینا، در مباحث گوناگون، مطالبی را ارائه کرده است که مبتنی بر نگرش وجودی

است؛ به عنوان نمونه ابن سینا در التعلیقات (ص ۱۷۹) در باب اثبات واجب، مطلبی را عرضه می کند که جوهره اساسی برهان صدیقین ملاصدرا در

آثاری چون الشواهد الربوبیة (صص ۳۵-۳۶) را تأمین می کند.

۵۱. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۲۳۹.

۵۲. همان، ج ۹، صص ۱۰۹-۱۱۸.

۵۳. کشف المراد، ص ۶۵.

۵۴. نص النصوص، ص ۴۰۶.

۵۵. اسرار الآيات، ص ۲۱۴.

۵۶. الفرقان / ۴۴.

۵۷. اسرار الآيات، ص ۲۰۶.

۵۸. همان، ص ۲۰۷.

۵۹. همان، ص ۱۹۶.

۶۰. افاق انبیا که به تعبیر آیات ۲۲۱-۲۲۲ سوره شعراء، جان چنین کسانی منزلگاه شیطان است.

۶۱. اسرار الآيات، صص ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۹۲، ۲۰۷، ۲۱۴-۲۱۵.

۶۲. ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ج ۲، ص ۶۹.

۶۳. فصل ششم در ذکر احوال اصناف خلق در آن جهان و ذکر بهشت و دوزخ.

۶۴. آغاز و انجام، صص ۲۳-۲۴.

۶۵. اسرار الآيات، ص ۱۸۸.